

رگ‌وریشه‌های آناتومی قدرت مردم و حاکمیت در ایران تنیده در هم هستند

مهم، دیپلماسی حاکم بر مردم و حاکمیت است و باید دید که روابط بین مردم و حاکمیت بر چه اصول و مبانی استوار است؟ آیا وضعیت و شرایط درست و منطقی در روابط بین این دو قطب اصلی کشور مشاهده می‌شود یا اینکه نیاز به مرمت و بازسازی در ساختمان قدرت مردم و حاکمیت وجود دارد؟

همه می‌دانیم که ما در اوج موفقیت‌های خود دارای نقاط ضعف نیز هستیم و بدون هیچ تردیدی باید به رفع معایب و نارسایی‌ها بپردازیم تا همیشه و در همه حال، حساب‌های پس‌انداز فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ما در شرایط مطلوبی قرار گیرد. همانگونه که در نظام اقتصادی، خلق پول و اعتبار از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌آید، در سایر نظام‌ها نیز این اصل حاکم است و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را نیز نباید فارغ از این واقعیت‌ها بدانیم و درباره خلق اعتبار در فرهنگ، اجتماع و سیاست هم باید کوشا و پرتلاش باشیم.

گاهی ساختمانی ساخته می‌شود که فقط در شرایط غیربحرانی می‌تواند سرپا ماند و با وقوع کوچک‌ترین بحران مانند زلزله، از هم فرو می‌پاشد و با خاک یکسان می‌شود. درباره ساختمان قدرت حاکمیت و مردم دیدیم که اینگونه نیست و در طول سال‌های پس از تحولات سال۱۳۵۷ بارها در مقابل زلزله‌های شدید دوام یافت و همچنان استوار مانده است. زیرساخت‌های استحکام و مقاومت این آناتومی قدرت چیست؟ آیا بهتر نیست کمی خودمانی‌تر این مباحث را ادامه دهیم؟

تا این نقطه از تاریخ، مردم و حاکمیت ایران از موقعیت‌های استثنایی برخوردار و بهره‌مند بوده و توانسته‌اند در مقابل رفتارهای مخرب بدخواهان این مرز و بوم دوام بیاورند اما این وضعیت تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

وقت آن است حساب‌های پس‌انداز اجتماعی را اعتبارسنجی کنیم

آیا زمان آن فرا رسیده است تا عوامل کاهنده و افزاینده اعتبار حساب‌های پس‌انداز فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میهن‌مان را شناسایی کنیم و آیا زمان بر خورد مناسب و منطقی با این عوامل هنوز فرا رسیده است؟

اکنون زمان آن فرا رسیده است تا دستگاه‌های زیرمجموعه قوای سه‌گانه، با طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به تحکیم جایگاه کسانی که باعث افزایش اعتبار حساب‌های پس‌انداز اجتماعی می‌شوند بپردازند و از سوی دیگر، درباره کسانی که در جبهه مخالف قرار دارند و از عوامل کاهنده اعتبار حساب‌های پس‌انداز به‌شمار می‌روند، به تصمیمات درست برسند.

اگر استحکام و وقایع ملی مهم است، باید استحکام و وقایع خانوادگی نیز مهم باشد و این در حالی است که بدخواهان، مبانی استحکام خانواده‌ها را هدف تهاجم فرهنگی خود قرار داده‌اند و ما آنگونه که باید، برای برون رفت از این بحران تلاش نمی‌کنیم. در صورتی که خانواده‌ها دارای قدرت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشند، ما دارای استحکام و قدرت در دو بخش حاکمیتی و مردمی هم خواهیم بود و به نوعی می‌توان گفت که رگ و ریشه‌های آناتومی قدرت مردم و حاکمیت در هم تنیده هستند.

طراحی و اجرای رویاندهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در جهت تعیین و تبیین مبانی و اصول استحکام‌بذنه قدرت حاکمیت و مردم باشند، می‌توانند وضعیت و شرایط بهتری را برای کشور ما ایجاد کنند و باعث دفع دسیسه‌های بدخواهان علیه میهن‌مان شوند.

امروزه پدیده‌های نظوپهر فناوریانه به ویژه هوش مصنوعی وارد مناقشات و منازعات رسانه‌ای شده است و ما نباید از این پدیده‌ها و آثار آن غفلت ورزیده و نسبت به آنها بی‌اعتنا باشیم بلکه باید با بهره‌گیری از توان علمی و عملی که به طور بالقوه و بالفعل در ما ایرانیان وجود دارد به مبارزه علیه برنامه‌های مخرب بیگانگان ب‌رخیزیم. تلاش برای ایجاد و برقراری دانایی و توانایی هرچه بیشتر مردم و مسئولان کشور در این باره می‌تواند خروجی‌های بسپاری مثبتی را به‌وجود آورد و مسارا در مقابل زلزله‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیار شدید، مقاوم سازد و مانع زلزله و تخریب ساختمان قدرت حاکمیت و مردم شود.

چه کسانی و با چه برنامه‌هایی می‌توانند خالق اعتبارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای صندوق‌های حساب پس‌انداز حاکمیتی و مردمی باشند؟ آیا قدرت هستیم پاسخگوی این پرسش باشیم؟ بی‌تردید، کسانی که بتوانند در دو بُعد علمی و عملی به این پرسش پاسخ درست ارائه دهند خواهند توانست در این کارزار ملی، مشارکت مفیدتر و مؤثرتری داشته باشند.

ایجاد و برقراری ارتباط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مابین طبقات اجتماعی در دو حوزه روستایی و شهری دارای مشخصات و مختصاتی است که رعایت آنها باعث استحکام و دوام ارتباطات خواهد شد و در سطح کلی، انسجام و همبستگی ملی را به ار مغان خواهد آورد. فراودات و مبادلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دو سطح داخلی و خارجی باید بر اساس اصول و مبانی درست و منطقی به تعریف رسیده و جریان باید و اگر ابعاد شکلی و ماهوی آن مخدوش شود، آسیب‌پذیری و شکنندگی، قطعی خواهد بود. برای رسیدن به استانداردهای لازم و ضروری، دستگاه‌های ذی‌ربط حاکمیتی و مردمی باید بدانند که چه رفتارهایی را باید طراحی و اجرا کنند.

وزارتخانه‌های ارشاد، آموزش و پرورش، آموزش عالی، ورزش و جوانان، میراث فرهنگی و گردشگری، سازمان صدا و سیما و چند دستگاه دیگر به فعالیت آنها مرتبط با موضوع مورد بحث‌مان هستند باید در این زمینه حرف‌هایی برای گفتن داشته باشند و بتوانند در مقابل انواع تهاجمات فرهنگی بدخواهان این مرز و بوم، مقاومت و پویایی ملی ایجاد کنند.

ماهیت آناتومی قدرت مردم و حاکمیت در ایران چیست؟

حال رجوع می‌کنیم به موضوعی که در ابتدای این بحث، به آن پرداخته بودیم: آناتومی قدرت مردم و حاکمیت بر چه اصول و مبانی استوار است که ما در زمان بروز بحران‌ها، شاهد خلق شگفتی‌ها از سوی این دو قطب اصلی نمی‌شویم؟

بر کسی پوشیده نیست که در بذنه قدرت حاکمیت و مردم کشورمان دو نوع پس‌انداز فرهنگی جریان دارد که جدای از هم نیستند و همیشه در مواقع بحرانی از آن حساب‌های پس‌انداز بر داشت می‌شود تا از شرایط بحرانی خارج شویم و به آرامش برسیم.

فرهنگ ملی و دینی و مذهبی با محوریت نام ایران همان مقوله‌ای است که بدخواهان میهن‌مان گاهی نمی‌بینند یا اینکه وجود آن را به شوخی می‌گیرند و منهای این واقعیت، به طراحی و اجرای عملیات برانداژانه دست می‌زنند و این در حالی است که ملت ما هیچ‌گاه این فرصت را به آنان نخواهند داد و همیشه در صحنه‌های حساس، نقش خود را به خوبی انجام داده‌اند. حساب پس‌اندازی که ما همیشه در زمان‌های بحرانی از آن برداشت می‌کنیم تا بحران‌ها را با موفقیت پشت سر بگذاریم را چگونه باید مراقبت و محافظت کنیم؟

آیا این حساب پس‌انداز نباید مورد حمایت ویژه قرار گیرد؟ اگر پاسخ مثبت است، وظیفه مراقبت و محافظت از این حساب پس‌انداز بر عهده کیست؟ مردم یا حاکمیت؟

در این مر حله از بحث باید به یک مورد مهم اشاره داشته باشیم و آن امر



ایرانیان همیشه و در همه حال این‌باور را دارند که در سخت‌ترین شرایط و وضعیت‌ها باید مراقب تمامیت ارضی و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سرزمین خود باشند تا در سایه این داشته‌ها بتوانند آورده‌های بیشتری را تولید کنند و آینده مطلوب‌تری را برای خود و فرزندانشان رقم بزنند. این واقعیت را هم باید پذیرفت که قدرت فرهنگی و اجتماعی می‌تواند قدرت را برای خود و فرزندانشان تقویت کند و در صورتی که این قدرت را از دست بدهد، به سرعت از آنها بهره گرفته شود. مهم‌ترین کارآمدترین منبع قدرت، «هویت» است و اساسی‌ترین ابزار قدرت، ابزار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و برای اینکه منابع و ابزار قدرت، به درستی مورد شناسایی قرار گیرد، این اقدام ضروری به نظر می‌رسد که آناتومی قدرت به درستی شناخته شود. توجه به هویت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بهتر است در دو بخش علمی و عملی مصداق باید و همه ابعاد قدرت حاکمیت و مردم را در بر گیرد تا آثار سازنده خود را در مسیر اقتدار، به ظهور و ثبوت برساند.

اگر اقبشار و طبقات جامعه به عناصر هویت‌بخش فرهنگ ایرانی مسلح شوند، هیچ تهاجمی از خارج از کشور نمی‌تواند کار ساز باشد و مردم در مقابل دسیسه‌ها و توطئه‌ها جانانه خواهند ایستاد، به همین دلیل نظام سلطه و استکبار جهانی سال‌هاست در صدد بر آمده تا ملت ایران را خلع سلاح فرهنگی کند و آنان را از برخورداری و بهره‌مندی از این امکان ویژه محروم سازد.

در این حالت، مردم و حاکمیت چه وظایفی را بر عهده خواهند داشت؟ آیا باید در جهت خواست عوامل مهاجم و مخرب عمل کنیم یا اینکه به تحکیم و استحکام مبانی فرهنگی و اجتماعی میهن خود اهمیت دهیم؟ با توجه به اینکه ایران ما از اقوام و طوایف مختلف و متنوع تشکیل شده است و انواع فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها در مناطق مختلف میهن‌مان جریان دارند، همواره دسیسه‌هایی نیز در این زمینه از سوی بدخواهان در حال طراحی و اجراست تا از طریق آن و با ایجاد تفرقه، انسجام و همبستگی ملی‌مان را مورد آسیب‌های جدی قرار دهند.

مخالف مقابله با اینگونه اقدامات ضد همبستگی و انسجام ملی، تقویت دیپلماسی عمومی در سطوح داخلی و خارج از کشور است که در این زمینه دستگاه‌های زیرمجموعه قوای سه‌گانه و همچنین تشکلهای مردمی، وظایفی را بر عهده دارند.

اگر دیپلماسی را هنر ایجاد و برقراری ارتباط بر اساس منافع مشترک

ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سرزمین خود باشند تا در سایه این داشته‌ها بتوانند آورده‌های بیشتری را تولید کنند و آینده مطلوب‌تری را برای خود و فرزندانشان رقم بزنند. این واقعیت را هم باید پذیرفت که قدرت فرهنگی و اجتماعی می‌تواند قدرت اقتصادی و سیاسی خلق کند و این نیرو در ذات و جوهر سرزمین و ملت ایران وجود دارد اما آیا نباید درباره بروز عوامل کاهنده میزان توان این قدرت، نگران بود؟ کسانی که در کنار فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی، در فکر افزایش توان فرهنگی و اجتماعی نبوده‌اند باید بدانند که به این کشور خیانت کرده‌اند.

وقتی درباره آناتومی قدرت سخن می‌گوییم، باید به منابع و ابزار قدرت نیز اشاره کنیم زیرا زمانی قدرت از حالت ذهنیت به عینیت و مصداقی می‌رسد که دارای منابع و ابزار باشد و به درستی از آنها بهره گرفته شود. مهم‌ترین کارآمدترین منبع قدرت، «هویت» است و اساسی‌ترین ابزار قدرت، ابزار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و برای اینکه منابع و ابزار قدرت، به درستی مورد شناسایی قرار گیرد، این اقدام ضروری به نظر می‌رسد که آناتومی قدرت به درستی شناخته شود. توجه به هویت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بهتر است در دو بخش علمی و عملی مصداق باید و همه ابعاد قدرت حاکمیت و مردم را در بر گیرد تا آثار سازنده خود را در مسیر اقتدار، به ظهور و ثبوت برساند.

اگر اقبشار و طبقات جامعه به عناصر هویت‌بخش فرهنگ ایرانی مسلح شوند، هیچ تهاجمی از خارج از کشور نمی‌تواند کار ساز باشد و مردم در مقابل دسیسه‌ها و توطئه‌ها جانانه خواهند ایستاد، به همین دلیل نظام سلطه و استکبار جهانی سال‌هاست در صدد بر آمده تا ملت ایران را خلع سلاح فرهنگی کند و آنان را از برخورداری و بهره‌مندی از این امکان ویژه محروم سازد.

در این حالت، مردم و حاکمیت چه وظایفی را بر عهده خواهند داشت؟ آیا باید در جهت خواست عوامل مهاجم و مخرب عمل کنیم یا اینکه به تحکیم و استحکام مبانی فرهنگی و اجتماعی میهن خود اهمیت دهیم؟ با توجه به اینکه ایران ما از اقوام و طوایف مختلف و متنوع تشکیل شده است و انواع فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها در مناطق مختلف میهن‌مان جریان دارند، همواره دسیسه‌هایی نیز در این زمینه از سوی بدخواهان در حال طراحی و اجراست تا از طریق آن و با ایجاد تفرقه، انسجام و همبستگی ملی‌مان را مورد آسیب‌های جدی قرار دهند.

مخالف مقابله با اینگونه اقدامات ضد همبستگی و انسجام ملی، تقویت دیپلماسی عمومی در سطوح داخلی و خارج از کشور است که در این زمینه دستگاه‌های زیرمجموعه قوای سه‌گانه و همچنین تشکلهای مردمی، وظایفی را بر عهده دارند.

اگر دیپلماسی را هنر ایجاد و برقراری ارتباط بر اساس منافع مشترک

درباره جنگ تحمیلی ۱۲روزه نظام سلطه و استکبار جهانی علیه ایران، مطالب متنوع و مختلفی گفته و نوشته شده است و هر یک از گفته‌ها و نوشته‌ها، به ابعاد گوناگونی اشاره داشته‌اند اما پرداختن به موضوع آناتومی قدرت حاکمیت و مردم ایران در شرایط و وضعیت بحرانی و جنگی نیز می‌تواند جذاب باشد. دکتر میلاد محقق، پژوهشگر حوزه فرهنگی و مدرس دانشگاه با نگاهی مشروح و همه‌جانبه به این موضوع بر داخته است.

■ ■ ■

جنگ تلخی که نتایجی شیرین داشت

وقتی یک ساختمان درست می‌شود، ابتدا باید کاربری آن را دانست، اینکه آیا کاربری این ساختمان مسکونی است یا اداری، تجاری، صنعتی و خدماتی. نکته دیگر در این خصوص، میزان استحکام آن است و مطلبی که در این زمینه به اذهان متباد می‌شود، مقاومت ساختمان در برابر زلزله خواهد بود. حاکمیت و مردم، دارای آناتومی قدرت هستند و همچون ساختمان باید این دو پرسش را درباره آنها مطرح کرد که کاربری ساختمان قدرت مردم و حاکمیت ایران چیست و میزان مقاومت این ساختمان در شرایط و وضعیت‌های مختلف به ویژه در زمان بحران چقدر است؟

بی‌تردید یکی از بحران‌های زندگی بشری جنگ است که در طول و عرض تاریخ، خرابی‌های زیادی را ایجاد کرده است و در عصر حاضر نیز این پدیده ادامه دارد و به دلایلی در نقاط مختلف جهان شکل می‌گیرد. سرزمین ایران از این موضوع مستثنی نبوده و در دوره‌های مختلف با حملات نظامی بدخواهان این مرز و بوم روبه‌رو بوده است.

پس از تحولات سال ۱۳۵۷ و ورود کشور به انواع و اقسام بحران‌ها از جمله جنگ تحمیلی هشت ساله، اکنون شاهد آنیم که بار دیگر نظام سلطه و استکبار جهانی بار دیگر ایران را وارد جنگ کرده و به مدت ۱۲روز، تبادل آتش ادامه داشته است.

قبل از هر چیز باید گفت که اگر چه رژیم اشغالگر قدس آغاز گر این حملات بوده است اما باید دانست که موجودیت و مشروعیت این رژیم، بر اساس منافع نظام سلطه و استکبار جهانی شکل یافته و ملت‌های جهان هرگز نباید فراموش کنند که این رژیم یکی از پایگاه‌های نظامی سلطه جهانی است و فقط به خاطر اینکه از مزایای نام یک کشور در مناقشات و بازی‌های جهانی و بین‌المللی بهره‌برد، آن را کشور اسرائیل نام نهاده‌اند. از ابتدای حملات نظامی پیش‌فران نظام سلطه و استکبار جهانی یعنی رژیم اشغالگر صهیونیستی و سپس ایالات متحده امریکا، ملت ایران تلخی‌های زیادی را چشیده، اما در کنار این تلخی‌ها، طعم شیرینی را نیز تجربه کرده است.

آنگونه که بعدها از طریق بررسی اسناد و مدارک مربوط به طراحی و اجرای این حملات دست‌گیرمان شده است، نباید یک حرکت خیالی علیه نظام جمهوری اسلامی نیز در کنار حملات نظامی شکل بگیرد و با ایجاد آشوب و هرج و مرج، کشور ایران را برای اجرای طرح مورد تخریب به جغرافیایی آماده کنند، اما آنچه اتفاق افتاد، خلاف انتظار آنان بود و مردم با درک موقعیت حساسی به‌وجود آمد و تنها با اتکا بر فهم منافع ملی، نقشه آنان را نقش آب کردند و بار دیگر به جهانیان فهماندند که ملت ایران به هیچ وجه خود را تحت فرمان نظام سلطه و استکبار جهانی نخواهد برد. هر چند تلخی‌های جنگ ۱۲روزه غیرقابل تحمل بود اما این شیرینی توانست التیام دهنده زخم‌های وارد شده بر ملت ما شود و آنان را در جهت مبارزه علیه بدخواهان این مرز و بوم، منسجم کند. حال باید دید این پدیده چگونه پیدایش یافت و ریشه‌های این همبستگی و انسجام، در کدامیک از بخش‌های مربوط به مبانی فرهنگی و اجتماعی ایرانیان نهفته است؟

در نگاه نخست شاید به این موضوع برسیم که به طور طبیعی هر ملتی به اصول ملی و استقلال میهن خود ایمان دارد و برای حفظ اقتدار و صلابت کشور، خود تلاش می‌کند اما باید بدانیم که در عصر حاضر، پیدایش چنین پدیده‌ای با این شکل و محتوا و آنگونه که از ملت ایران دیده شد، تقریباً بی‌نظیر به نظر می‌رسد. ملت ایران در طول و عرض تاریخ، همیشه پدیدآورنده شگفتی‌ها نبوده و در دوره معاصر نیز شاهد بودیم که این مسئله بارها به‌طور و ثبوت رسیده و ملت‌های دنیا را در بهت و حیرت فرو برده است. اکنون قدیم داریم درباره این پدیده مباحثی داشته باشیم.

مردم ما مسلح به عناصر هویت بخش فرهنگی هستند

عناصر هویت‌بخش فرهنگ ایران زمین و باورمندی علمی و عملی ایرانیان نسبت به آن، یکی از عوامل اصلی بروز این پدیده نادر در جهان است و ایرانیان همیشه و در همه حال این باور را دارند که در سخت‌ترین شرایط و وضعیت‌ها مراقب تمامیت ارضی و

داستان آنانی که نه فقط خانه و محل کار، بلکه قلب فرزندان‌شان را پایگاه مقاومت کردند

آنان نه بار رفتن بستنده مغازه را بستند

برچم را بست به ترک موتور قراضه‌اش. شب بعد، با محمداطه پشت سر، باهم به میدان انقلاب رفتند، جایی که دهها موتور، ماشین، دوچرخه‌سوار و حتی چند کودک با اسکیست، با برچم‌های ایران، خیابان را چراغانی کرده بودند تا صدای آن خلوتی شهر را بشکنند، تا تیری در چشم دشمنان شوند.

فاطمه، دخترش می‌گوید: «بابا اوایل شب گفت هر کی نترسه، نصف ترس مردم رو کم می‌کنه، منم خواستم دوستام نترسن».

زهراتر عریف می‌کند که چطور هر شب، با بچه‌ها جلوی خانه می‌نشستند تا کارناوال شبانه رد شود و برای‌شان دست تکان دهند. بچه‌هام حالا می‌فهمن ترس، همیشه باید باشه، ولی جابرای شجاعت هم هست. وقتی دیدن ما نترقیم، وقتی خودشون برچم گرفتن، به چیز توی دل شون محکم شد».

آخرش آقای داوودی حرفی می‌زند که تا مدت‌ها در گوشم می‌ماند: «ما کاری نکردیم، فقط فرار نکردیم، ولی بعضی وقتا، همین نرفتن، خودش به جور راه رفتنه، به سمت دل مردم».

■ خانه ما امن است

در محله نارمک تهران؛ جایی که هدف برتابه‌های دشمن قرار گرفته و خون ده‌هایی گناه و کودک ریخته شده است، وارد کوچه بن‌یست می‌شوم. در حیاط‌شان سبز است و روی در خانه، یک نقاشی مزین به برچم ایران عزیزمان نصب شده است و جمله‌ای با دستخط کودک‌انه: «خانه ما امن است».

خانواده سادات، پنج‌فرزند، پدر، کارمند شهرداری است که بیشتر وقت‌ها بیرون از خانه است، مادر، نرگس، ۴۶ساله، مربی سابق مهدکودک، این روزها شده همه‌چیز: روان‌شناس، معلم، مأمور سرگرمی و پناهگاه سه‌کودک با فاصله‌های نزدیک. حسین ۹ساله است، علی پنج‌ساله و فاطمه که فقط یک سال دارد. وقتی صدای انفجار در محله پیچید، نرگس از طریق اخبار متوجه شد ماجرا از چه قرار است. اما بی‌توجه به آنچه در حال وقوع است بچه‌ها

مدیرمسئول: محمد جواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
دبیر ویژه‌نامه: حسین گل‌محمدی
همکاران تحریریه: نیره ساری، مرضیه بامیری
نیره محمودی، محبوبه قربانی
چاپ: همشهری

کاشانه

نیره ساری

پرونده

موقوفه ملی
در دومین دفاع مقدس



را سرگرم مراسم عیدغدیر کرد.

تصمیم گرفت برای روز عیدغدیر به اندازه توان در خانه قیمه درست کند و بین همسایه‌ها پخش کند. پس دست به کار شد و بچه‌ها را در این مسیر همراه خود کرد. از نظافت منزل گرفته تا خرید به کمک پیک و دعوت چند دوست و آشنا.

اومی‌گوید: بچه‌ها سؤال می‌کردن: ماما! بمب به ما هم می‌خوره؟ ماما! صدامون می‌میره؟ «چندمقوای رنگی آوردم و با بچه‌ها شروع کردم به بریدن شکل‌ها. یک‌خانه با پنجره‌های روشن، خورشید بزرگ، برچم ایران و بنر عید غدیر مبارک و یک جمله بالای سرشان: «ما توی دل ایران قوی هستیم».

پدر بچه‌هامی‌گوید: «روز عید غدیر چند نفر از دوستان و آشنایان آمدند و کاملاً عادی و مثل هر سال جشن را برگزار کردیم و اتفاقاً عصر به اتفاق بچه‌ها به مراسم جشن رفتیم تا بچه‌ها ببینند خیلی از مردم عادی در حال زندگی همیشگی هستند. در واقع من تلاش کردم استرس درونی خودم را به بچه‌ها منتقل نکنم».

به همین سادگی «عید غدیر» در آن روزهای پرتلاهب، نه فقط جشن مذهبی، بلکه نمادی شد از ایستادگی، همبستگی و قلب‌های گرم خانواده‌ای که تر جیح دادند در دل بحران، نور و زندگی بکارند.

■ نه بار بستن، نه مغازه را بست

در دل یکی از کوچه‌های قدیمی تهران، یک صدا هنوز زنده بود: صدای کشیده شدن نان داغ از گف تنور، صدای چوب نان‌گیر که به دیواره می‌خورد، صدای بچه‌ای که می‌خندید و می‌گفت: «بابا یک کتیم سوخت».

حسن آقا، نانواست، ۴۴ساله، مردی لاغر با سیبیل خاکستری، صاحب نانواپی سنگی است که از پدرش به ارث مانده. سه فرزند دارد: سبحان ۹ساله، هانیه شش‌ساله و هانی دو ساله. در روز چهارم دفاع مقدس ۱۲روزه، برخی نانواپی‌ها کر که را پایین کشیدند. هر صدایی حتی افتادن کامیون در دست‌اندا: برای ترساندن شهر کافی بود، بعضی همسایه‌ها بار زده بودند برای رفتن، اما حسن نه بار بست، نه مغازه را بست.

باور داشت که شهر فقط با نان نمی‌چرخد، اما بی‌ن‌ان هم از پا می‌افتد. همان شب، وقتی به خانه برگشت، با لحن آرامی گفت: «صبح بیدار شدم، باهم می‌ریم نانواپی».

طاهره، جاخورد. «بچه‌ها رو؟ با این صداها؟»

ولی حسن اصرار داشت: «اگه خونه بمونید، فقط ترس تو دلتون می‌مونه که جز شما شاید کسی در شهر نباشه. بیایید ببینید مردم مثل بقیه روزها میان نون می‌گیرن».

صبح فردا، صبحانه با نان تازه خانوادگی در نانواپی ملی شد. حسن آقا کر که را بالا کشید، چراغ تنور را روشن کرد و بوی نان توی کوچه پیچید. کم‌کم مردم برگشتند. زن همسایه با چشمه‌های خسته آمد و گفت: «خدا خیرت بده، فکر کردم کرد بدیگه تو نداریم».

مردی جوان، در حالی که دختر کوچکش را بغل کرده بود، دو تانان گرفت، یکی را همان‌جا تکه کرد و به کودکش داد که مشغول بازی با هانی شده بود. سبحان ارد را پوشید. هانیه با کمک مادر خمیر را چانه کرد و هانی خوابید کنار کیسه ارد، در امن‌ترین نقطه‌ای که آن روز می‌شد پیدا کرد. طاهره می‌گوید: «بچه‌ها اولش ترسیده بودن، ولی وقتی دیدن مردم دارن نون می‌گیرن، به چیزی تو صورتشون برگشت. انگار فهمیدن هنوز زندگی ادامه داره».

آن روزها، هر خانواده‌ای که می‌آمد از حسن آقا نان بگیرد، لیختن کوتاهی می‌زد، شاید تشکری کوتاه، شاید فقط نگاهی گرم، اما برای همه‌ی خانه‌های حسن آقا، آن نگاه‌ها بزرگ‌ترین درس بود: «در روزهای سخت، کسانی که بهمانند و بچه‌ی حتی کوچک در گرم نگه داشتن دل مردم داشته باشند، قهرمان واقعی‌اند».